

اعتبارسنجی و مسیریابی ثبت و انتقال احادیث «تردد خداوند» به روش «فهرستی»*

احسان پوردوانی^۱

جمال‌الدین حیدری فطرت^۲

چکیده:

مجموعه احادیث «تردد خداوند» را که در بردارنده حدیث قدسی: «مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي مَوْتِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ» است، می‌توان از نمونه‌های بارز مشکل‌الحدیث دانست که قرن‌هاست مورد بحث و گفتگوی محدثان، فقیهان، متکلمان، فیلسوفان، عرفا و مفسران شیعه و سنی قرار گرفته است. نوشتار پیش رو در پی آن است که اعتبارسنجی مجموعه احادیث «تردد» را، بر پایه نظام اعتبارسنجی قدمایی «کتاب محور» واکاود. هدف از اجرای این فرایند، نه فقط پی بردن به اعتبار این مجموعه از احادیث، بلکه افزون بر آن، ردیابی ورود این روایات به اولین مصادر حدیثی شیعه و جریان آن در منابع بعدی است. گردآوری مصادر اولیه در بردارنده این حدیث، می‌تواند باور نهفته در آن را به عنوان یک اندیشه پذیرفته شده و فراگیر در میان امامیه مطرح کند. از این رو برای دستیابی به این دو مهم، یعنی: شناسایی راویان اول و نیز کشف اولین کتب حدیثی در بردارنده حدیث تردد، با تحلیل اسناد این حدیث ارزشمند و مشهور در منابع حدیثی موجود، به ردیابی آن در مصادر حدیثی اولیه و در نتیجه، اثبات اعتبار و استحکام آن دست یافتیم.

کلیدواژه‌ها: تردد خداوند، ما ترددت، مشکل‌الحدیث، اعتبارسنجی حدیث، روش

فهرستی، شهرت کتاب.

* دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱.

۱. دانش‌پژوه سطح ۴ رشته کلام امامیه مؤسسه معارف اهل بیت (ع)، قم. e.p.davani@gmail.com

۲. مدرس مؤسسه معارف اهل بیت (ع) حوزه علمیه قم، ایران. heidarifetrat@chmail.ir (نویسنده مسؤول)

آغاز سخن

مجموعه احادیث «تردد خداوند» را می‌توان از نمونه‌های بارز مشکل الحدیث دانست که قرن‌هاست مورد بحث و گفتگوی جدی اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. این مجموعه احادیث را می‌توان در منابع مختلف: حدیثی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی و تفسیری امامیه و نیز اهل سنت یافت که بیشتر پیرامون دلالت سنجی و محتواشناسی آن، سخن به فراوانی رانده‌اند. آن‌چه نوشتار پیش رو در پی آن است، اعتبارسنجی مجموعه احادیث «تردد»، بر پایه نظام اعتبارسنجی قدمایی «کتاب محور» است که امروزه با نام «روش فهرستی» معمولاً از آن یاد می‌شود.^۱ هدف از اجرای این فرایند، نه فقط پی بردن به اعتبار این مجموعه از احادیث، بلکه افزون بر آن، ردیابی ورود این روایات به اولین مصادر حدیثی شیعه و جریان آن در منابع بعدی است.^۲ گردآوری مصادر اولیه در بردارنده این حدیث، می‌تواند باور نهفته در آن را به عنوان یک اندیشه پذیرفته شده و فراگیر در میان امامیه مطرح کند.

۱. نگارنده بر تفاوت اندک نگاه اعتبارسنجی «کتاب محور» و «روش فهرستی» واقف است. ولی از آنجایی که در بررسی این دسته روایات، این دو نگاه تفاوت چندانی با هم ندارند، از عنوان روش فهرستی بهره برده شده است. ناگفته نماند که روش اعتبارسنجی سندمحور در تحلیل این دسته روایات کارایی چندانی ندارد؛ چه اینکه اولاً پژوهش‌های پیش از این، این دسته روایات بر پایه این نظام مورد سنج قرار گرفته است. (ر. ک: «بررسی سندی و محتوایی احادیث «ماترددت فی شی...» بتول کمالی تقی پور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی»، «بازنگری حدیث تردد، مهناز فرحمنند، فصل‌نامه سفینه، شماره ۵۵، ص ۴۸-۲۶»). ثانیاً، به دلیل فراوانی روایات تردد و اشتغال آن بر گونه‌های مختلف: صحیح، مؤثق و حسن، می‌توان چنین نتیجه گرفت که صدور این دسته روایات، مورد پذیرش همگان است و این نوع تحلیل، ثمره چندانی را نمی‌تواند در پی داشته باشد. این دو نکته، جدای از منطبق نبودن این نظام پراشکال، برواقیات و تاریخ حدیث شیعه است.

۲. برخی دیگر از کارکردها و ثمرات بررسی فهرستی روایات، اینگونه است: ۱- تعیین زمان مکتوب شدن یک روایت؛ ۲- دستیابی به شهرت کتاب و حدیث؛ ۳- ترسیم مسیر انتقال کتاب در حوزه‌های حدیثی؛ ۴- کشف و حل معضلات نگارشی، چون: تصحیفات سندی و... (جهت آگاهی بیشتر، ر. ک: کتاب بررسی روایت به روش فهرستی: ص ۷۰-۶۰)

حدیث تردد در منابع حدیثی موجود

حدیث تردد، یکی از احادیث قدسی است که توسط معصومان علیهم‌السلام نقل شده است. این حدیث حاکی از آن است که خداوند، هنگام قبض روح مؤمن، هرچند اشتیاق به لقاء وی دارد ولی به خاطر کراهت مؤمن از قبض روح، از آن صرف نظر می‌کند. ^۱ گفتنی است حدیث تردد، علیرغم تفاوت اندک در نقل‌های فراوان خود، به صورت مجزا و با سند مستقل در منابع حدیثی وارد نشده، بلکه بیشترین نقل آن، در ضمن حدیث «قرب نوافل» ^۲ است. حدیث تردد را می‌توان این‌گونه ارائه داد:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي مَوْتِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ إِنِّي لِأَحِبُّ لِقَاءَهُ وَيَكْرَهُ الْمَوْتَ فَأَصْرِفُهُ عَنْهُ. ^۳ خداوند عزوجل می‌فرماید: از انجام هیچ‌کاری که من انجام دهنده آن هستم مانند قبض روح بنده مؤمنم بازناهیستادم؛ من دیدار او را دوست دارم، درحالی‌که او از مرگ کراهت دارد. پس آن را (مرگ یا کراهت) را از او برمی‌دارم.

در جدول زیر، اطلاعاتی آماری از گزارش این حدیث در منابع متقدم حدیثی، از قرن سوم تا هفتم، درج و ارائه شده است:

۱. «حدیث تردد» را به حدی می‌توان در صدر احادیث مشکل دانست و تحیر بزرگان عرصه فهم و فقهات را در مضمون و محتوای آن نظاره‌گر بود. با بررسی نظرات موجود پیرامون این حدیث قدسی، می‌توان به این نتیجه رسید که سبب اصلی در برداشت ناصواب و ارائه توجیها نابعاً، در معنایابی واژه «تردد» و کیفیت انتساب آن به خداوند متعال، ریشه دارد. منتسب دانستن ذات باری تعالی به تردد، درگرو کیفیت معنا کردن این واژه است؛ که هر شنونده و شارح حدیث تردد، با توجه به پیش فرض‌ها و مبانی اعتقادی، به حل و تحلیل این سنت الهی می‌پردازد. در پژوهشی مستقل با عنوان «معنایابی حدیث تردد»، این حدیث به شکل کامل مورد معنایابی قرار گرفته است.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ: مَنْ أَهَانَ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ فَقَدْ اسْتَقْبَلَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِمِثْلِ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ. وَإِنَّهُ لَيَتَنَقَّلُ لِي حَتَّى أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا. وَمَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي مَوْتِ [فُوت] عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ... المؤمن، باب ما خص الله به المؤمنين من الكرامات والشواب، ص ۳۲، ح ۶۱.

۳. الكافي، ج ۲، باب الرضا بموهبة الايمان، ص ۲۴۶، ح ۶.

تعداد روایات	حوزه حدیثی	امام گوینده حدیث تردد	مؤلف	نام کتاب	قرن
۴	کوفه قم	امام باقر <small>علیه السلام</small> امام صادق <small>علیه السلام</small>	حسین بن سعید اهوازی (م حدود ۲۵۵ ق)	المؤمن ^۱	قرن سوم
۳	قم	امام صادق <small>علیه السلام</small> از رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>	احمد برقی (م ۲۸۰ ق)	المحاسن ^۲	قرن سوم
۴	ری - قم - بغداد	امام باقر <small>علیه السلام</small> امام صادق <small>علیه السلام</small> از رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>	کلینی (م ۳۲۹ ق)	کافی ^۳	قرن چهارم
۱	قم - ری - بغداد	امام صادق <small>علیه السلام</small> از رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small>	صدوق (م ۳۸۱ ق)	مصادقة الاخوان ^۴	قرن چهارم
۱	بغداد	امام صادق <small>علیه السلام</small> از امام سجاد <small>علیه السلام</small>	طوسی (م ۴۶۰ ق)	الأمالی ^۵	قرن پنجم
۱	بغداد	بدون سند و گوینده	طوسی (م ۴۶۰ ق)	مصباح المتهجد ^۶	قرن پنجم
۱	-	بدون سند و گوینده	حسن بن فضل طبرسی (م ۶۰۰ ق)	مکارم الاخلاق ^۷	قرن ششم
۱	قم	بدون سند و گوینده	قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق)	الدعوات / سلوة الحزین ^۸	قرن ششم
۱	-	بدون سند و گوینده	علی بن حسن طبرسی (م حدود ۶۰۰ ق)	مشکات الانوار ^۹	قرن ششم
۱	حلّه	امام صادق <small>علیه السلام</small>	سید ابن طاووس (م ۶۶۴ ق)	فلاح السائل ^{۱۰}	قرن هفتم

گفتنی آنکه تا پیش از قرن هفتم هجری، شرح و حاشیه‌ای بر حدیث تردد از سوی عالمان و محدثان شیعه در دسترس نیست و صرفاً می‌توان با تکرار این حدیث در کتب روایی و نیز کتب دعا بدون هیچ‌گونه توضیح و تبیینی روبرو شد. گویا چنین روایتی در

۱. المؤمن، حسین بن سعید اهوازی (م ۲۵۵ ق)، ص ۳۶، ۳۳، ۳۲، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۸۰.
۲. المحاسن، احمد برقی (م ۲۷۴ ق)، ج ۱، باب ۲۷، ص ۱۶۰-۱۵۹، ح ۱۰۰-۹۹ و باب ۴۷، ص ۲۹۱، ح ۴۴۳.
۳. الکافی، کلینی (م ۳۲۸ ق)، ج ۲، ص ۲۴۶، ح ۶؛ ج ۲ ص ۳۵۲، ح ۷ و ۸؛ ص ۳۵۴، ح ۱۱.
۴. مصادقة الإخوان شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، ص ۷۴، ح ۱. شیخ صدوق حدیث تردد را با طریق اهل سنت نیز نقل کرده است: التوحید (م ۳۸۱ ق)، باب ۶۲ ص ۳۹۹، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲، ح ۷.
۵. الأمالی شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، المجلس الرابع عشر، ص ۴۱۴، ح ۸۰.
۶. مصباح المتهجد شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، ج ۱ ص ۵۸.
۷. مکارم الاخلاق طبرسی (م قرن ۶)؛ ص ۲۸۴.
۸. الدعوات / سلوة الحزین راوندی (م ۵۷۳ ق)، ص ۱۳۴، ح ۳۲۲ و ۲۴۱، ح ۶۷۷.
۹. مشکات الانوار فی درر الاخبار طبرسی (م ۶۰۰ ق)، ص ۱۴۷.
۱۰. فلاح السائل ونجاح المسائل سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) ص ۱۶۸.

نزد ایشان خالی از ابهام و اشکال بوده است.^۱

حدیث تردد، اولین بار توسط اندیشوران مکتب حله مورد واکاوی محتوایی قرار گرفت. علامه حلی در کتاب «أجوبة المسائل المَهْنائية» در پاسخ به سؤال سید مهنا بن سنان حسینی پیرامون حدیث تردد، با کلامی که نشانگر اطمینان نداشتن علامه به صدور این روایت است، بحث را آغاز و روایت را حمل بر مجاز کرده است:

لو ثبت هذا الحديث لوجب حمله على المجاز الذي من باب استعمال الشيء في مقابلة ضده، مثل «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ» وان كان المکر مستحيل من الله تعالى. ولا استبعاد في حمل هذا الحديث على المجاز على هذا النوع، فان كراهة المؤمن للموت تقتضي عدم كرامة له عند الله تعالى ويقتضي حكمة الله تعالى وهو الموت، وعدم الخلود لأحد غيره تعالى يقتضي ترجيح موته، فلهذين السببين سمي ترددا لما لوقع من البشر كما تقدم في المکر.^۲

پس از علامه که دیگر اندیشوران امامی، به بحث درباره دلالت و محتوای آن پرداخته‌اند.^۳

مسیریابی ثبت و انتقال احادیث تردد به روش فهرستی

در فرهنگ کتاب‌محور حدیث شیعه، که ثبت احادیث از معصومان عليهم السلام در قالب نگاشته‌های حدیثی بوده و انتقال آن نیز در قالب کتاب‌های حدیثی صورت می‌پذیرفته،

۱. توضیحات محدثان متقدم، ذیل برخی روایات، گویای دأب ایشان در پرداختن به روایات مشکل بوده است. برای نمونه، شیخ صدوق در کتاب التوحید، ذیل برخی روایات، توضیحاتی را بیان می‌کند که عبارت است از: صفحات: ۲۷، ۶۵، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۵. ۱۹۵-۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۱۷، ۳۳۵، ۳۷۸، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۹۵-۳۹۷.

۲. أجوبة المسائل المَهْنائية: العلامة الحلبي، ج ۱ ص ۳.

۳. ر. ک: «نضد القواعد الفقهية، ج ۱، ص ۷۰»، «القواعد والفوائد ج ۲ ص ۱۸۰ - أربع رسائل كلامية: ص ۲۲۷»، «الاربعون حديثاً ج ۱ ص ۴۱۹»، «أنوار الحكمة: ص ۱۸۰ - الشافي في العقائد والأخلاق والأحكام؛ ص ۴۳۵ - علم اليقين في أصول الدين؛ ج ۱؛ ص ۲۴۹ - قرة العيون في المعارف والحكم؛ ص ۳۹۱ - الوافي ج ۵ ص ۷۳۵»، «درر نجفیه ج ۱، ص ۳۴۵»، «القبسات، قس عاشر، ص ۴۷۰»، «شرح اصول کافی، ج ۴، ص ۱۸۹ و اسفار اربعه ج ۶، ص ۳۹۳»، «شرح الأسماء الحسنی؛ ص ۶۲۸»، «شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) ج ۱ ص ۵۸۱»، «اربعین الهاشمیه، ص ۹۵، ح ۱۴».

«مؤلفان کتب حدیثی»، اصلی‌ترین جایگاه را در اعتبار روایت داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که اعتبار کتاب حدیثی، اعتبار احادیث مندرج در آن منبع را نتیجه می‌داده و بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری منبع، باعث رویگردانی اصحاب از آموزه‌های راه‌یافته به آن اثر می‌شده است. شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول* خویش، این‌گونه از این واقعیت حدیثی دوره قدما، یاد کرده است:

حتى انّ واحداً منهم اذا فتي بشئ لا يعرفونه سألوه من أين قلت هذا؟ فإذا أحالهم على كتاب معروف، أو أصل مشهور، وكان راو به ثقة لا ينكر حديثه سكتوا وسلموا الامر في ذلك وقبلوا قوله، وهذه عادتهم وسجيتهم من عهد النبي ﷺ ومن بعده من الائمة عليهم السلام.^۱

از این روست که پیشینه توصیفات رجالی (توثیقات و تضعیفات)، به این گروه از راویان اختصاص یافته است.^۲ در پژوهش حاضر نیز در صدد دستیابی به اولین مصادر حدیثی هستیم که حدیث تردّد را در خود جای داده و منبع جوامع حدیثی بعدی شده است.

گذشته از این مسئله، «راویان ائمه عليهم السلام» نیز جایگاه ویژه‌ای را در صدور معارف حدیثی داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که اصل صدور حدیث و سطح معارف ارائه شده، تابع ویژگی‌های شخصیتی راویان معصوم است. از این رو گردآوری راویان احادیث تردّد، که در صدور این دسته روایات نقش اصلی را داشته‌اند نیز در دستور کار این پژوهش قرار گرفته است.

برای دستیابی به این دو مهم، یعنی: شناسایی راویان اول و نیز کشف اولین کتب حدیثی در بردارنده حدیث تردّد، نیازمند استخراج همه اسناد و تحلیل آن هستیم. در نمودار زیر، که برگرفته از اسناد حدیث تردّد در منابع مختلف حدیثی موجود است، راویان ائمه عليهم السلام و نیز مصادر موجود حدیثی، به صورت متمایز، به نمایش درآمده است:



۱. *عدة الاصول*، ج ۱، ص ۱۲۶. همچنین شیخ بهائی در مقدمه «مشرق الشمسین ص ۳۰-۲۶» و نوه شهید ثانی در مقدمه «منتقى الجمان ج ۱، ص ۱۴» در خلال بررسی قرائن اعتبار سنجانه حدیث به این مسئله می‌پردازند و قرائن مختلفی را که همه حول محور کتاب حدیثی هستند، یاد می‌کنند.

۲. ر.ک: اعتبارسنجی احادیث شیعه: ۲۱۵-۱۷۳.

ب) کتب حدیثی موجود

با نگاه به منابع حدیثی موجود در عصر حاضر، که به یادکرد این حدیث پرداخته‌اند، می‌توان نام معتبرترین منابع حدیثی امامیه را یافت، از جمله: المؤمن حسین بن سعید اهوازی، المحاسن احمد برقی، الکافی کلینی، مصادقه الاخوان شیخ صدوق، امالی شیخ طوسی و فلاح السائل سید ابن طاووس.

ج) کشف مصادر مکتوب مورد استفاده صاحبان جوامع حدیثی

با توجه به کتاب محور بودن حدیث شیعه، هم در عرصه ثبت و انتقال حدیث و هم در عرصه اعتبارسنجی آن^۱، با این واقعیت مواجهیم که مؤلفان جوامع حدیثی، به گاه نگارش کتب خویش، از منابع مکتوب پیش از خود بهره می‌جسته‌اند. از این رو می‌توان به این اطمینان رسید که هر حدیث، نه به دست آمده از فرایند نقل شفاهی، بلکه برگرفته از یکی از مصادر حدیثی پیش از عصر مؤلف است. این پدیده درباره حدیث تردد نیز جاری است. بدین معنا که یک جامع‌نگار متقدم همچون کلینی یا احمد برقی، این حدیث را از مصادر مکتوب پیش از خود برگزیده و به جامع خویش وارد ساخته است.

از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های اصلی اعتبار هر حدیث، مصدري است که حدیث را در خود جای داده^۲، کشف مصدر مکتوب جوامع حدیثی در هر حدیث، می‌تواند تأثیر بسزایی در اعتبار آن حدیث داشته باشد. از این رو در این بخش در پی آنیم که با تحلیل اسناد حدیث تردد در منابع حدیثی موجود، به ردیابی این حدیث در مصادر حدیثی اولین، دست یابیم.

شیوه کشف مصدر مکتوب، بر پایه‌هایی استوار است که در این پژوهش، به تناسب اسناد حدیثی مورد بحث، از برخی از آن‌ها بهره برده‌ایم. ابزارهایی چون: شهرت کتاب، انطباق موضوع کتاب با روایت، انطباق سند روایت با طریق کتاب، عطف در اسناد حدیثی و...^۳

۱. ر. ک: تاریخ حدیث مکتوب شیعه در دوران نخستین، عباس مفید.

۲. در صفحات پیش، کلام شیخ طوسی در عده الاصول در تأیید این نکته، گذشت.

۳. برای آگاهی از دیگر نشانه‌ها، ن. ک: بررسی روایت به روش فهرستی، فصل سوم، ص ۵۷ به بعد.

تحلیل و بررسی اسناد حدیث تردد

در تحلیل هر سند، با توجه به داده‌های کتابشناسانه منابع فهرستی، سعی در کشف مصدر مکتوب جامع‌نگاران شیعی خواهیم داشت:

۱. کتاب المؤمن، حسین بن سعید اهوازی

۶۱- وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۶۲- وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

۶۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

۸۰- وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

در کتاب المؤمن، که در شمار آثار متقدم حدیثی در قرن سوم قرار دارد، با چهار حدیث تردد پشت سرهم روبرویم. هر چند در نگاه اول، همگی این اسناد، مرسل است ولی با توجه به اسناد قبلی، «تعلیق» را شاهدیم. در حدیث ۶۰، «صفوان بن مهران جمال» در جایگاه راوی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضور یافته است: «عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ». از این رو سه سند بعدی را نیز می‌توان از صفوان جمال دانست. در حدیث چهارم نیز همین اتفاق افتاده و مؤلف، حدیث ۸۰ را بر حدیث ۷۵، با حضور صفوان جمال، معلق کرده است.

بنابراین، هر چند کتاب المؤمن حسین بن سعید، یکی از مصادر حدیثی دوره قدمای امامیه شمرده می‌شود و خود، اعتبار این حدیث را، به‌ویژه با تکرار چهارباره آن، ارتقا بخشیده، ولی می‌توان کتاب مشهور صفوان جمال^۱ را به عنوان مصدر مکتوب حسین اهوازی، گمانه زد.^۲

۱. نجاشی، استقبال از این کتاب را در زمان مؤلف، گزارش کرده است: «له کتاب یرویه جماعة» (رجال

النجاشی: ص ۱۹۸ ش ۵۲۵)

۲. با نگاه به منابع فهرستی و اسناد روایات، می‌بینیم که حسین بن سعید در طریق کتاب صفوان قرار نگرفته و در اسناد حدیثی نیز معمولاً با یک واسطه از وی نقل کرده است. راویانی چون: عبدالرحمن بن ابی نجران و قاسم بن محمد جوهری. این نکته، بهره‌گیری حسین بن سعید از کتاب صفوان را، بدون اشاره به راوی آن کتاب، افزایش می‌دهد. از این رو، در اینگونه اسناد در کتاب المؤمن، باید افتادگی در

۲. کتاب المحاسن، حدیث اول:

عَنْهُ [احمد البرقی] عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ۲.

در این سند، شاهد حضور دو راوی صاحب کتاب هستیم: «عبدالرحمن بن حماد» و «حنان بن سدير». شاید بتوان با توجه به نشانه‌هایی که در ادامه سخن، بازگویی کنیم، مصدر مکتوب این روایت را به عنوان مأخذ احمد بن محمد بن خالد برقی، کتاب حدیثی حنان بن سدير معرفی کنیم. نجاشی، این‌گونه حنان بن سدير و کتاب حدیثی او را برمی‌شناساند:

حنان بن سدير بن حکیم... روی عن أبي عبد الله وأبي الحسن عليه السلام له كتاب في صفة الجنة والنار... وأول هذا الكتاب: إذا أراد الله قبض روح. ۳

از گزاره‌های افزایش اعتبار کتاب حنان، افزون بر وثاقت وی، می‌توان به نقل این کتاب توسط ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب، که هر دو از اصحاب اجماع به شمار می‌آیند، اشاره کرد:

حنان بن سدير ثقة. له كتاب. رؤيناه بالإسناد الأول [عدة من أصحابنا عن أبي المفضل عن ابن بطة عن أحمد بن أبي عبد الله] عن ابن أبي عمير والحسن بن محبوب عنه. ۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اسناد (سقط) را پذیرفت.

۱. در همه اسناد کتاب المحاسن برقی، شاهد حضور ضمیر «عنه» هستیم. از آنجایی که در اولین سند کتاب، نام مؤلف یعنی احمد بن محمد بن خالد برقی، جای گرفته، همه ضمایر موجود در ابتدای همه اسناد کتاب، به مؤلف یعنی احمد برقی، بازمی‌گردد.

۲. المحاسن، ج ۱، باب ۴۷ ص ۲۹۱، ح ۴۴۳.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۴۶.

۴. فهرست الطوسی، ص ۱۶۴. در طریق نجاشی به کتاب حنان نیز شاهد حضور برخی از اجلای ثقات، چون

علی بن حسن بن فضال هستیم: «أخبرنا شيخنا أبو عبد الله عن محمد بن أحمد بن الجعيد قال: حدثنا عبد الواحد بن عبد الله بن يونس قال: حدثنا محمد بن أحمد بن يعقوب بن إسحاق بن عمار قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال قال: حدثني إسماعيل بن مهران عن حنان بن سدير عن أبي عبد الله [عليه السلام].»

رجال النجاشی، ص ۱۴۶.

در شرح حال حنان بن سدیر به وجود کتابی که موضوع آن درباره اوصاف جهنم و بهشت است، برمی‌خوریم و از جمله آغازین آن معلوم می‌شود که کتاب، حاوی موضوعاتی از جمله مرگ و قبض روح است که دقیقاً با محتوای حدیث تردد مطابقت دارد.

له کتاب في صفة الجنة والنار... أول هذا الكتاب: إذا أراد الله قبض روح^۱.

نجاشی در شناساندن کتاب حنان به حدیثی اشاره می‌کند که در اذهان مخاطبان مشهور بوده است. از این روست که نجاشی، برای معرفی کتاب حنان و محتوای آن، به یادکرد کلمات ابتدایی حدیث مشهور «إذا أراد الله قبض روح...» بسنده می‌کند.

هرچند در مسیر احمد برقی تا امام صادق عليه السلام، با دو مؤلف روبرویم؛ ولی با توجه به مؤلفه‌های زیر، می‌توان اولین مصدر مکتوب این حدیث و نیز کتاب مورد استفاده احمد برقی را کتاب «صفة الجنة والنار» حنان بن سدیر دانست:

۱. انطباق موضوع کتاب حنان بن سدیر با روایت مورد بحث^۲؛

۲. شهرت کتاب حنان بن سدیر، که از تعداد فراوان روایات وی و نیز تعدد طرق به کتابش، به دست می‌آید.

۳. مقبولیت و وثاقت حنان بن سدیر از سویی و نگاه منفی به عبدالرحمن بن حماد از دیگر سوی.

برفرض پذیرش این گمانه، عبدالرحمن بن حماد، کتاب حنان بن سدیر را در کوفه دریافت و در قم به احمد برقی انتقال داده است. توضیح بیشتر آنکه؛ عبدالرحمن بن حماد از جمله راویان کوفی است که بعد از افول حوزه حدیثی کوفه، مانند بسیاری از محدثان آن دیار، چون: محمد بن علی ابوسمینه و ابراهیم بن هاشم، به قم مهاجرت کرد و در خانه احمد برقی ساکن شد. این مصاحبت، بستر انتقال کتاب‌های حدیثی از عبدالرحمن بن حماد برقی را فراهم کرد.^۳ طریق کتاب عبدالرحمن بن حماد در فهرست الطوسی، که

۱. رجال النجاشی، ص ۱۴۶.

۲. حال آن که در دو فهرست نجاشی و طوسی، از تألیف عبدالرحمن بن حماد، با عنوان «له کتاب» یاد شده است.

۳. عبد الرحمن بن أبي حماد أبق القاسم كوفي صيرفي انتقل إلى قم و سكنها و هو صاحب دار أحمد بن أبي

توسط احمد برقی منتقل شده، گواه دیگری بر این مدعاست.^۱ برپایه داده‌های رجالی، از عبدالرحمن بن حماد، چهره‌ای منفی و متهم به غلو در حوزه حدیثی قم منعکس شده است.^۲ ثقه نبودن و حتی وجود اتهاماتی درباره شخصیت حدیثی عبدالرحمن، به اعتبار کتاب حنان بن سدیرو نیز آموزه‌های راه‌یافته به آن، صدمه‌ای وارد نمی‌کند؛ چه اینکه اعتبار یک کتاب حدیثی، نه برپایه وثاقت ناقلان آن، بلکه در گرو قرائن نسخه‌شناختی موجود در نسخه‌های آن کتاب است.^۳

۳. کتاب المحاسن، حدیث دوم:

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.^۴ در این سند، سه راوی نقش آفرینی کرده‌اند: ۱- ابو حمزه ثمالی ثابت بن دینار ۲- محمد بن فضیل صیرفی ۳- حسن بن علی بن فضال. هر سه راوی، از مؤلفان شیعی به حساب می‌آیند. بنابراین باید به دنبال قرائنی گشت که مشخص کند این روایت از کتاب حدیثی کدام یک از این محدثان برداشت شده است:

۱. از میان این سه نفر، ابن فضال و ابو حمزه ثمالی^۵، راویان ثقه و نام‌آشنایی هستند که تألیفات مشهوری دارند. در مقابل، محمد بن فضیل، از ناقلان برخی آثار ابو حمزه ثمالی و از اصلی‌ترین راویان احادیث وی در اسناد حدیثی^۶ به شمار می‌رود. توجه

عبد الله البرقي. (رجال النجاشي، ص ۲۳۸).
۱. رویناه بالاسناد الأول عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن عبد الرحمن بن حماد (فهرست الطوسي، ص ۳۱۲).

۲. «رمي بالضعف والغلو» رجال النجاشي: ص ۲۳۹. «ضعيف جدا لا يلتفت إليه في مذهبه غلو» رجال ابن الغضائري: ص ۸۱.

۳. ر. ک: ابراهیم بن هاشم بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت: ص ۱۵۸

۴. المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۹، ح ۹۹.

۵. رجال النجاشي، ص ۱۱۵: «ثابت بن دینار... کان من خيار أصحابنا وثقاتهم و معتمدیهم فی الروایة و الحدیث.» همچنین: الفهرست: ص ۱۲۳: «روی عن الرضا عليه السلام و کان خصیصاً به، کان جلیل القدر عظیم المنزلة زاهدا و رعایة (فی الحدیث و) فی روایاته»

۶. [ثابت بن أبي صفية أبو حمزة الثمالي] له رسالة الحقوق عن علي بن الحسين عليه السلام أخبرنا أحمد بن علي

به این نکته، گمانه مصدر مکتوب را تنها به سمت آثار حسن بن فضال و ابوحمزه معطوف می‌دارد.

۲. ابوحمزه ثمالی که از اصحاب امام سجاد تا امام کاظم علیه السلام است و راوی رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام نیز بوده، برخلاف ابن فضال، نقش طریقی نسبت به کتب حدیثی دیگر محدثان نداشته است. این ویژگی در حسن بن فضال، به‌گونه‌ای دیگر است، بدین معنا که هم وی را در شمار بزرگ‌ترین و معتمدترین اصحاب ائمه علیهم السلام می‌یابیم و هم شاهد فعال بودنش در طریق انتقال کتب اصحاب امامیه هستیم. افزون بر نام بردن کشتی از وی در شمار اصحاب اجماع^۲، شیخ طوسی این‌گونه حسن بن فضال را یاد کرده است:

الحسن بن علي بن فضال... روی عن الرضا علیه السلام و كان خصيصاً به، كان جليل القدر عظيم المنزلة زاهدا ورعا ثقة (في الحديث و) في رواياته. له كتب.^۳

۳. اشتها نسخه‌های آثار ابوحمزه ثمالی، به دلیل جایگاه ویژه وی نزد ائمه علیهم السلام و نزد اصحاب، گمانه اخذ حدیث تردد از کتاب‌های ابوحمزه را تقویت می‌کند. در میان آثار وی، کتاب النوادر، شاید متناسب‌ترین کتاب با حدیث تردد باشد؛ چه اینکه حسن بن محبوب که در شمار روایت‌گران ابوحمزه نیست، بدون ذکر طریق، به روایت این کتاب همت گمارده و خود را در نگاه برخی محدثان، مورد اتهام قرار داده است.^۴

قال: حدثنا الحسن بن حمزة قال: حدثنا علي بن ابراهيم عن ابيه عن محمد بن الفضيل عن ابي حمزة عن علي بن الحسين علیه السلام رجال النجاشي، ص ۱۱۶. همچنین وی، در میان روایت‌گران ابوحمزه، دومین رتبه را پس از حسن بن محبوب، به خود اختصاص داده است.

۱... له رسالة الحقوق عن علي بن الحسين علیه السلام (رجال النجاشي، ص ۱۱۶).

۲. «أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصح عن هؤلاء و تصديقهم و أفروا لهم بالفقه و العلم: و هم ستة نفر... و قال بعضهم: مكان الحسن بن محبوب: الحسن بن علي بن فضال». رجال الكشي، ص ۵۵۶.

۳. فهرست الطوسي، ص ۱۲۳.

۴. کشتی، به نقل از نصر بن صباح، چنین نقل می‌کند: احمد بن محمد بن عیسی... ما کان یروی عن ابن محبوب، من اجل ان اصحابنا یتهمون ابن محبوب فی روايته عن ابي حمزة ثم تاب و رجع عن هذا القول. رجال النجاشی، ص ۸۲، ش ۱۹۸. رجال الكشي، ص ۵۱۲، ش ۹۸۹. گمانه‌ای که برای توجیه نقل

بر پایه آنچه گذشت، هرچند گمانه اخذ از کتاب النوادر ابوحمزه ثمالی تقویت می‌شود، ولی امکان اخذ از برخی کتب حسن بن فضال، چون: کتاب النوادر، کتاب البشارات و یا کتاب الزهد، منتفی نیست. بر پایه گمانه دوم، می‌توان گفت: هرچند مصدر مکتوب اولیه این حدیث، کتاب النوادر ابوحمزه بوده، ولی احمد برقی در کتاب المحاسن، آن را از منبع واسطه‌ای چون کتاب البشارات حسن بن فضال دریافت داشته است.

۴. کتاب المحاسن، حدیث سوم:

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.^۱

در این سند نیز با سه راوی مواجهیم: حسن بن علی بن فضال، مفضل بن صالح ابوجمیله و محمد بن علی بن ابی‌شعبه حلبی. نام هر سه را در منابع فهرستی می‌یابیم. برای پی بردن به منبع مکتوب محاسن، توجه به داده‌های زیر، تأثیرگذار است:

۱. هرچند ابوجمیله مفضل بن صالح در فهرست شیخ طوسی، در شمار مؤلفان شیعی قرار گرفته، ولی در فهرست نجاشی، هیچ مدخلی به وی اختصاص نیافته است. این، بدان معناست که ابوجمیله در نزد نجاشی، از صاحبان کتب حدیثی به حساب نیامده است.^۲ این نکته، نقش طریقی ابوجمیله را نسبت به کتاب محمد حلبی تقویت می‌کند. چه اینکه در اسناد روایات، به فراوانی روایات مفضل بن صالح از محمد حلبی برمی‌خوریم.^۳

۲. محمد بن علی حلبی، از چهره‌های سرشناس اصحاب امامیه است که بیشینه روایات خویش را از امام صادق عليه السلام دریافت داشته است. نجاشی با تعبیر «وجه أصحابنا و فقیههم؛ و الثقة الذي لا يُطعن» وی را ستوده و دو کتاب: «التفسیر» و

حسن بن محبوب از کتاب نوادر به ذهن می‌رسد، اشتها فراوان کتاب النوادر ابوحمزه است.

۱. المحاسن ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۱۰۰.

۲. نجاشی در ترجمه جابر بن یزید، مفضل بن صالح ابوجمیله را یکی از راویان برجسته وی اعلام داشته است. رجال النجاشی، ص ۱۲۸، ش ۳۳۲.

۳. در ۲۱ سند فقط از کتاب کافی.

«الحلال و الحرام» را به وی منتسب می‌داند.^۱ همخوانی نداشتن عنوان و موضوع این دو کتاب با حدیث تردد از سویی و نبود قرینه‌ای براشتهار و ویژگی خاص داشتن کتاب حلبی از دیگر سوی، امکان بهره‌مندی احمد برقی از این کتاب را کاهش می‌دهد. شاید این دو نکته را بتوان نشانه‌ای از استفاده مستقیم احمد برقی از کتاب‌های حسن بن فضال دانست.

هرچند مسیر انتقال حدیث «ابن فضال عن ابی جمیلة عن محمد الحلبي» را می‌توان در کتاب‌های دیگری نیز مشاهده کرد^۲ و آن را نشانه‌ای بر نقش طریقی ابن فضال به حساب آورد، ولی نشانه‌های بالا را نمی‌توان نادیده گرفت. افزون بر این، رابطه «ابن فضال عن ابی جمیلة» که در کتاب المحاسن به راویان دیگری چون: ابوبکر حضرمی، ثویر بن ابی فاخته، محمد بن مروان، زید شحام و... ختم می‌شود نیز، نشانه دیگری است بر راهیابی روایات این افراد به کتاب‌های حسن بن علی بن فضال و بهره‌مندی احمد برقی از این آثار. این روابط روایی، بر برجستگی نقش طریقی ابوجمیل مفضل بن صالح نیز دلالت دارد.

با توجه به این نکته و نکته‌ای که در حدیث پیش گفته شد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد: از آنجا که «حسن بن علی بن فضال» در هر دو نقش خویش: طریقی و تألیفی، فعال و برجسته بوده، هرگاه وی در مسیر کتابی مشهور که ویژگی‌های خاصی دارد قرار گرفت، می‌توان وی را در نقش طریقی اش دید؛^۳ ولی به گاه حضور در مسیر کتاب‌هایی که چنین ویژگی نداشته باشد، گمانه بهره‌مندی از کتاب‌های خود ابن فضال، تقویت می‌شود.^۴

۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۵: له كتاب التفسیر... وله كتاب مبوب في الحلال والحرام. البته از این عبارت برمی‌آید که این کتاب، ناظر بر مباحث حلال و حرام (فقه) است، نه اینکه نامش حلال و حرام باشد.

۲. در کتاب کافی، شاهد ۱۲ رخداد چنین رابطه‌ای هستیم: ابن فضال، عن ابی جمیله، عن محمد الحلبي. (نرم افزار درایه النور، محیط اسناد، سربرگ ارتباط)

۳. از این رو در مسیرهایی چون: «ابن فضال عن العلاء عن محمد بن مسلم» یا «ابن فضال عن ابن فضیل عن ابی حمزة» می‌توان نقش طریقی وی را نمایان دید. در سند اول، ابن فضال یکی از مسیره‌های اصلی کتاب مشهور علاء بن رزین است.

۴. از این رو در کتاب المحاسن، در سندی چون: «ابن فضال عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم»، ابن فضال را طریق کتاب علاء بن رزین می‌دانیم، ولی در اسنادی چون: «عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ

۵. کتاب الکافی، حدیث اول:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.^۱

قرائنی که گویای منبع مکتوب حدیث بالانست، بدین شرح است:

۱. حماد بن بشیر، راوی اصلی روایت و دریافت‌کننده حدیث از امام صادق عليه السلام، در هیچ‌یک از منابع فهرستی، مدخل نشده است. تنها، شاهد درج نام وی در کتب طبقه‌نگاری، در شمار اصحاب الصادق عليه السلام، بدون هیچ‌گونه توصیف هستیم.^۲ نبود نامش در شمار مؤلفان و نه در طریق کتب دیگران از سویی و اندک بودن روایاتش از دیگر سوی، نشان از آن دارد که وی معدود روایاتش را به صورت شفاهی به اصحاب امامیه انتقال داده است.^۳
۲. با بررسی و تحلیل اسناد کتاب کافی این نکته هویدا می‌شود که در بیشینه این کتاب، دو نفر ابتدای سند، طریق به آثار پیشینیان هستند و مصدر مکتوب کلینی را باید در حلقه‌های بعدی سند جست. سند مورد بحث نیز همین وضعیت را دارد؛ محمد بن یحیی از طریق احمد اشعری و نیز احمد بن ادریس (ابوعلی اشعری) از محمد بن عبد الجبار قمی، طریق کلینی هستند به مصدر مکتوب این حدیث. با توجه به حذف حماد بن بشیر از میان گزینه‌های محتمل، نیازمند قرائنی هستیم که مصدر مکتوب این حدیث را از آثار ابن فضال یا علی بن عقبه برای ما برنمایاند.

أَصْحَابِهِ» يَا «عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ زَجَلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام»، می‌توان منبع حدیث را کتاب‌های ابن فضال دانست.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۷.
۲. در رجال البرقی: ص ۲۱؛ با عنوان «حماد بن بشر، روی عنه أبان». از وی یاد شده است. رجال الطوسی نیز نام وی را در شمار اصحاب الصادق عليه السلام به تنهایی درج کرده است. ص ۱۹۴، ش ۲۸۷.
۳. در مقاله «تحلیل پدیده ترجمه ضمنی در رجال نجاشی؛ گونه‌ها و دستاوردها»، بر پایه قرائن اثبات شده که بخشی از راویان امام باقر و امام صادق عليه السلام، هر چند به نگاشتن احادیث اهتمام داشته‌اند، ولی مجموعه مکتوب خویش را در اختیار شاگردان قرار نداده‌اند؛ بلکه بخشی از معارف دریافتی را به صورت شفاهی و در جلسات درس خویش، به شاگردان تعلیم داده‌اند.

۳. پیش از این، با حسن بن فضال آشنا شدیم. شناخت شخصیت علی بن عقبه، می‌تواند در بازشناسی مصدر مکتوب کلینی، کارایی فراوان داشته باشد. نجاشی وی را اینگونه توصیف کرده است:

علي بن عقبه بن خالد الأسدي، أبو الحسن مولى، كوفي ثقة ثقة، روى عن أبي عبد الله عليه السلام. له كتاب يرويه جماعة.^۱

بر پایه توصیف نجاشی، علی بن عقبه، جدای از وثاقت و جلالت و روایت‌گری از امام صادق عليه السلام، دارای کتابی است مشهور، که جماعتی از راویان شیعه به دریافت آن همت گمارده‌اند. شیخ طوسی نیز مسیر دستیابی به کتاب مشهور وی را اینگونه برمی‌شناساند:

أخبرنا الحسين بن عبید الله عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الصفار عن أحمد بن محمد بن الحسن بن علي بن فضال عن علي بن عقبه.^۲

جالب آن‌که راوی این کتاب، حسن بن فضال معرفی شده است. بنابراین، می‌توان حسن بن فضال را در این سند مورد بحث، راوی کتاب مشهور علی بن عقبه دانست و وی را در نقش طریقی‌اش بر شناساند.

برخی رجال پژوهان معاصر بر این باورند که عطف در سند، گویای بهره‌مندی از منبع مکتوب است، بدین معنا که با انتهای بخش عطفی سند با تعبیر «جمیعا» به «ابن فضال»، می‌توان برداشت کرد که احمد اشعری و محمد بن عبد الجبار، هر دو این حدیث را از کتاب ابن فضال دریافت داشته‌اند. با پیوستن این نکته به جمع‌بندی پایانی حدیث چهارم، شاید بتوان این گمانه را اصلاح کرد و گفت: انتهای بخش عطفی سند به یک راوی، گویای آن است که آن راوی، در بیشینه موارد، یا مؤلف کتاب حدیثی است یا راوی و طریق آن کتاب.^۳ در این سند، ابن فضال را به عنوان راوی کتاب علی بن عقبه دانستیم که سند عطفی به وی پایان یافته است.

۱. رجال النجاشی ص ۲۷۱ ش ۷۱۰.

۲. فهرست الطوسی ص ۲۶۹ ش ۳۸۵.

۳. حضور جمعی از مشایخ کلینی در ابتدای اسناد کافی با تعبیر «عدة من اصحابنا» نیز نشانه دیگری بر

۶. کتاب الکافی، حدیث دوم:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام.^۱

برای پی بردن به مصدر مکتوب این حدیث، چه مصدر اولیه و چه مصدر واسطه، توجه به قرائن زیر ضروری است:

۱. تعبیر «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد» در کتاب الکافی، حاکی از نقش طریقی «عده» و نیز نقش طریقی «احمد برقی» است؛ چه اینکه در منابع فهرستی، این گروه از مشایخ کلینی که با تعبیر «عدة من اصحابنا» از ایشان یاد شده^۲، طریق به کتاب محاسن یا دیگر کتاب‌های احمد برقی یاد نشده‌اند.

۲. ابان بن تغلب، راوی اصلی حدیث از امام باقر عليه السلام، از والاترین اصحاب ائمه عليهم السلام بوده^۳ که در زمان زندگی و پس از مرگ^۴ نیز از وی به نیکی یاد کرده‌اند. ابان جزو راویانی

درستی این برداشت است. نجاشی در مدخل کلینی از این عده، اینگونه پرده‌گشایی کرده است: «و قال أبو جعفر الكليني: كل ما كان في كتابي عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى، فهم: محمد بن يحيى و علي بن موسى الكميذاني و داود بن كورة و أحمد بن إدريس و علي بن إبراهيم بن هاشم.» (رجال النجاشي: ص ۳۷۷ ش ۱۰۲۶). آیا این عطف را نیز می‌توان حمل بر آن کرد که پس از عطف، یعنی احمد اشعری، مؤلف کتاب حدیثی است؟! پرواضح است که احمد اشعری، یکی از انتقال‌دهندگان بزرگ حدیث از کوفه به قم بوده است و در بیشینه موارد، در نقش طریقی، ظاهر شده است؛ نه آن که مؤلف کتاب حدیثی مورد استفاده کلینی بوده باشد.

همچنین عطف‌های واقع در طرق کتاب‌های حدیثی در منابع فهرستی، نیز نشانه دیگری بر این باور است. برای نمونه، ن. ک: فهرست الطوسی: ص ۱۲ ش ۱۷، ص ۴۸ ش ۶۲ و ...

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۸.

۲. بر پایه سخن علامه حلی در خاتمه سوم خلاصه الاقوال (ص ۲۷۱)، «عدة من اصحابنا عن احمد البرقي» در کتاب کافی شامل این افراد می‌شود: علی بن ابراهیم بن هاشم، علی بن محمد بن عبدالله بن اذینه، احمد بن عبدالله بن أمية، علی بن الحسن (الحسين السعد آبادی).

۳. عظیم المنزلة في أصحابنا لقي علي بن الحسين و أبا جعفر و أبا عبد الله عليهم السلام روى عنهم و كانت له عندهم منزلة و قدم (رجال النجاشي، ص ۱۰ - فهرست الطوسي ص ۴۴).

۴. «عن أبان بن تغلب قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام جالس أهل المدينة، فإني أحب أن يروا في شيعتنا مثلك.» همچنین: «ذكرنا أبان بن تغلب عند أبي عبد الله عليه السلام فقال: رحمه الله، أما والله لقد أوجع قلبي موت أبان» (رجال كشي: ص ۳۳۰)

است که در اسناد اهل سنت نیز نقش ایفا کرده و محافل علمی اهل سنت را با معارف روایی ائمه علیهم‌السلام آراسته است. نمونه بارز آن، راهیابی حدیث تردد به واسطه ابان بن تغلب از امام باقر علیه‌السلام در میان روایات اهل سنت است.^۱ در منابع فهرستی دو کتاب برای ابان بن تغلب یاد شده: کتاب الفضائل و کتاب غریب القرآن.^۲ با نگاه به موضوع این دو کتاب و منطبق نبودن طریق کتاب‌های ابان با سند مورد بحث و یا حتی شباهت اندک، می‌توان این گمانه را مطرح کرد که این حدیث، از دو کتاب وی نبوده، بلکه از مجموعه احادیثی است که ابان به صورت شفاهی در اختیار شاگردان خویش قرار داده است.

۳. ابوسعید قَمَاط، که همان صالح بن سعید قماط^۳ است، در شمار اصحاب الصادق علیه‌السلام و بر پایه تعبیر «له کتاب یرویه جماعة»، نگارنده کتابی مشهور است.^۴

۱. نکته حائز اهمیت، نقل این روایت از طریق راویان شیعه در کتب اهل سنت است. خطیب بغدادی حدیث تردد را با مسیر «محمد بن حسین العطار از ابوجمیله مفضل بن صالح، از ابان بن تغلب به امام باقر علیه‌السلام رسانده، سپس از طریق امام سجاد و امام حسین و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیده است. (الکفایه فی علم الدرایه ج ۳، ص ۸۷. به نقل از مقاله «جایگاه حدیث قرب نوافل در منابع فریقین و بررسی تطبیقی رویکرد عرفا و محدثان نسبت به آن»). با وجود اینکه مفضل بن صالح با داشتن ۱۶ حدیث در کتب کافی و تهذیب و الفقیه، بیشترین حدیث را از ابان بن تغلب نقل کرده، ولی حدیث تردد، برخلاف کتب اهل سنت، از این طریق در مصادر شیعه نقل نشده و هرکدام از ابوجمیله و ابان، در سندهای مجزا راوی حدیث تردد هستند. این نکته نشان از آن دارد که مسیره‌های انتقال حدیث تردد، چه سند و چه طریق، بیش از آنی است که امروزه در دسترس ماست.

۲. رجال النجاشی ص ۱۱ ش ۷. و فهرست الطوسی ص ۴۵ ش ۶۱.

۳. نجاشی در مدخل ۳۸۷ وی را به اشتباه، خالد بن سعید ابوسعید قماط شناسانده است.

۴. نجاشی (همان) شهرت کتاب ابوسعید را اینگونه گزارش می‌کند: «له کتاب یرویه جماعة منهم عبیس بن هشام الناشری». شیخ طوسی نیز در مدخل ۳۶۳ در طریق کتاب وی، اشاره به تعدد راوی می‌کند: «صالح بن سعید القماط. له کتاب. آخرین ابن ابي جيد عن ابن الوليد عن الصفار عن ابراهيم بن هاشم وغيره من أصحاب یونس عن صالح بن سعید». گفتنی است که در این سند، سقط رخ داده؛ چه اینکه ابراهیم بن هاشم یا شاگردان یونس بن عبدالرحمن، امکان اخذ این کتاب را نداشته و حتما در این طریق، افتادگی وجود دارد. با تغییراتی چون: «و غیره من اصحاب یونس عن یونس عن صالح» یا «و غیره عن یونس عن صالح» و... می‌توان این تصحیف را اصلاح کرد.

شهرت کتاب صالح بن سعید، این گمانه را ایجاد می‌کند که مصدر مکتوب این حدیث و منبع کلینی برای نگارش آن، کتاب صالح بوده؛ ولی با توجه به نکات مهمی که درباره «اسماعیل بن مهران» در پی خواهد آمد، این گمانه تضعیف می‌شود.

۴. اسماعیل بن مهران سکونی، هر چند که مذمتی را از سوی ابن غضائری درباره‌اش شاهدیم، ولی از سوی دیگر رجالیان شیعه، چون: نجاشی، طوسی، کشی و عیاشی^۲، توثیق و پیراسته از اتهامات شده است. نجاشی و طوسی، کتاب‌هایی چون: ملاحم، ثواب القرآن، اهلیلجه، صفة المؤمن والفاجر، خطب امیرالمؤمنین علیه السلام و النوادر را با یادکرد طرق متعدد، برای وی برشمرده‌اند. این امر حاکی از اشتها کتاب‌های وی است؛ به ویژه با نگاه به تعداد بالای روایات وی در کتب اربعه حدیثی شیعه.

حال، اگر گمانه اخذ حدیث از کتاب صالح بن سعید را ارائه دهیم و اسماعیل بن مهران را طریق کتاب صالح برشمریم، باید شاهد روایات فراوان اسماعیل از صالح باشیم؛ در حالی که در کتب اربعه حدیثی، تنها با سه حدیث اینگونه مواجهیم. از دیگر سوی، شیخ طوسی، احمد بن محمد بن خالد برقی را راوی کتاب اسماعیل بن مهران معرفی کرده است^۳ و از طرفی، اصلی‌ترین روایت‌گر اسماعیل بن مهران در اسناد کتب حدیثی، احمد برقی است. جالب آن‌که برپایه داده‌های فهرستی، احمد برقی هیچگاه در طریق کتب حدیثی دیگران به واسطه اسماعیل بن مهران، به جز کتاب‌های خود اسماعیل، قرار نگرفته است. از این رو می‌توان مصدر مکتوب این حدیث نزد کلینی را کتاب اسماعیل بن مهران دانست. انطباق عنوان کتاب «صفة المؤمن والفاجر» اسماعیل بن مهران، بر حدیث تردد، نشانه گویای دیگری است بر این گمانه قوی.

۱. ابن غضائری به تضعیف وی نپرداخته و تنها اشکالاتی را متوجه میراث حدیثی‌اش کرده است: «لیس حدیثه بالنقی، یضطرب تارة ویصلح أخرى، و یروی عن الضعفاء کثیرا ویجوز أن یخرج شاهدا.» ابن الغضائری ص ۳۸.

۲. نجاشی: ص ۲۶ ش ۴۹ و فهرست طوسی: ص ۲۷ ش ۳۲: «ثقة معتمد علیه، روی عن جماعة من أصحابنا عن أبي عبد الله علیه السلام». رجال الکشی: ص ۵۸۹ ش ۱۱۰۲: «حدثني محمد بن مسعود قال: سألت علي بن الحسن عن إسماعيل بن مهران. قال: رمي بالغلو. قال محمد بن مسعود: يكدبون عليه، كان تقيا ثقة خيرا فاضلا.»

۳. «إسماعيل بن مهران له كتاب الملاحم وله أصل. أخبرنا به عدة من أصحابنا عن أبي المفضل عن أبي جعفر محمد بن جعفر بن بطة عن أحمد بن أبي عبد الله عن إسماعيل بن مهران.» فهرست الطوسی: ص ۳۴ ش ۴۱.

۷. کتاب الکافی، حدیث سوم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ^۱.

هرچند نام همه افراد حاضر در این سند را در منابع فهرستی می‌یابیم، ولی با توجه به قرائنی که در پی خواهد آمد، می‌توان مصدر مکتوب اولیه حدیث و نیز مصدر مکتوب مورد استفاده کلینی را تشخیص داد:

۱. همانگونه که گفته آمد، در پیشینه اسناد کتاب کافی، دو نفر ابتدای سند، نقش طریقی دارند. در این سند نیز، «علی بن ابراهیم» و «محمد بن عیسی بن عبید» به عنوان مسیر انتقال تراث حدیثی «یونس بن عبدالرحمن» ایفای نقش می‌کنند.^۲ یونس نیز نگارنده مجموعه کتب حدیثی ارزشمند و مورد توجه اصحاب بوده است.^۳ این دو نکته، می‌تواند کتاب‌های حدیثی یونس را بعنوان مصدر این روایت، برنمایاند.
۲. «معلی بن خنیس»، هرچند دارنده کتابی مشهور است که افراد مختلفی به روایت آن همت گمارده‌اند^۴، ولی با توجه به نقل اندک «عبدالله بن مسکان» از وی در اسناد احادیث^۵ نمی‌تواند گویای روایت‌گری عبدالله بن مسکان از کتاب معلی بن خنیس

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۱۱.

۲. توضیح بیشتر آن که کتب یونس بن عبدالرحمن، هرگاه از طریق اسماعیل بن مرار و صالح بن سندی (سعید) انتقال یابد، محدثانی چون: علی بن ابراهیم، صفار، سعد بن عبدالله و حمیری، با دو واسطه باید به این مجموعه آثار دست یابند: ابراهیم بن هاشم و اسماعیل یا صالح. ولی هرگاه از مسیر اختصاصی «محمد بن عیسی» اقدام کنند، با همین واسطه به تنهایی به تراث حدیثی یونس دسترسی پیدا می‌کنند. توجه به طرق متعدد کتب یونس در دو کتاب فهرستی موجود: نجاشی و طوسی، گویای این نکته است: رجال النجاشی، ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۸، فهرست الطوسی، ص ۵۱۱، ش ۸۱۳.

۳. فراوانی طرق کتب یونس و نیز تعبیر ویژه ابن ولید درباره این تراث حدیثی، حاکی از برجستگی آن است: «سمعت محمد بن الحسن بن الولید رحمه الله يقول: کتب یونس التي هي بالروایات كلها صحيحة يعتمد عليها» فهرست الطوسی: ص ۵۱۲.

۴. «له کتاب یرویه جماعة» رجال النجاشی: ص ۴۱۷ ش ۱۱۱۴

۵. هفت حدیث در کتاب‌های: الکافی ج ۲، ص ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۳۵۱ و ۳۵۴، التهذیب ج ۷، ص ۲۶۱، بصائر الدرجات: ص ۳۸۲ و نوادر الأشعری: ص ۸۴

باشد. جالب آن‌که برپایه داده‌های اسناد روایات، بیشتر روایت‌گران معلی بن خنیس، بیش از یک یا دو حدیث از وی دریافت نداشته‌اند. این نکته، گمانه نقل شفاهی عبدالله بن مسکان از معلی را در ذهن ایجاد می‌کند.

۳. «عبدالله بن مسکان»، یکی از اصحاب اجماع طبقه دوم است که در شمار روایت‌گران وی، نام ۹ تن از اصحاب اجماع طبقه دوم و سوم را می‌یابیم. برپایه مدخل ابن مسکان در فهرست الطوسی، ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی (دو تن از اصحاب اجماع) کتاب وی را روایت کرده‌اند. با افزودن داده‌های سندی پرتکرار، می‌توان نام راویان جلیل‌القدر دیگری چون: یونس بن عبدالرحمن، علی بن نعمان، عبدالله بن مغیره، عثمان بن عیسی و حتی راویان متهم به ضعفی چون: محمد بن سنان را در مسیر انتقال کتابش، دانست.^۱ این نکته، ما را به این سمت رهنمون می‌شود که «یونس بن عبدالرحمن» راوی کتاب عبدالله بن مسکان است. از این رو، این حدیث نیز برگرفته از کتاب ابن مسکان، به روایت‌گری یونس است.

۴. هر چند اولین منبع مکتوب این حدیث را کتاب عبدالله بن مسکان دانستیم، ولی به نظر می‌رسد که مصدر مکتوب کلینی برای دریافت این حدیث، نه کتاب ابن مسکان، بلکه کتاب یونس بن عبدالرحمن است. علت آن را می‌توان در کم‌رنگ بودن نقش طریقی یونس دانست؛ چه اینکه یونس به دلیل بغدادی بودن و خارج بودنش از کوفه، به عنوان مرکز علمی تشیع، خود را در مسیر انتقال اندک کتاب‌هایی^۲

۱. هر چند ابن مسکان در طبقه‌ای است که بیشتر اصحاب اجماع طبقه سوم از وی نقل روایت کرده‌اند، ولی به دلیل برجستگی و بزرگی سنش، برخی اصحاب اجماع طبقه دوم، چون: عبدالله بن بکیر و حماد بن عیسی نیز، اندک از وی روایت داشته‌اند. نجاشی در مدخل وی، به نقل تنها یک روایت عبدالله از امام صادق علیه السلام پرداخته است. کشی، علت آن را «رعایت ادب حضور» عبدالله در محضر آن امام همام دانسته است: «أن ابن مسکان کان لا یدخل علی ابي عبدالله علیه السلام شفقة آلا یوفیه حق إجلاله، فکان یسمع من أصحابه ویأبى أن یدخل علیه إجلالا وإعظاما له علیه السلام». رجال الکشی: ص ۳۸۳ ش ۷۱۶.

۲. نرم‌افزار درایة النور، محیط اسناد، سربرگ راوی، بخش «روی عنه».

۳. کتاب‌های: عبدالله بن ابجر به روایت‌گری محمد بن عیسی از یونس (نجاشی: ص ۲۱۷)، هاشم بن ابراهیم عباسی به روایت‌گری صفوان از یونس (همان: ص ۴۳۶)، عمرو بن جمیع به روایت‌گری اسماعیل بن مرار از یونس (فهرست الطوسی: ص ۳۱۷).

قرار داده است. افزون بر این، محمد بن عیسی که راوی بحث برانگیز کتاب‌های یونس به حساب می‌آید، تنها در یک مسیر از این کتاب‌ها، اقدام به انتقال کتاب کرده است. بنابراین شاید نتوان یونس را راوی کتاب ابن مسکان و محمد بن عیسی را طریق این کتاب به حساب آورد.

افزون بر آن، شاید بتوان گفت با وجود کتاب جامع، مرجع و مشهوری چون «کتب یونس»، جامع‌نگاری چون کلینی، مراجعه به آن را بر بهره‌گیری از مصادر پیش از آن، ترجیح دهد؛ هر چند آن آثار نیز در دسترس وی بوده باشد.^۱

با توجه به قرائن پیش گفته، می‌توان یکی از کتاب‌های یونس بن عبدالرحمن را منبع مکتوب کلینی در ثبت این حدیث دانست؛ کتاب‌هایی که در بالاترین درجات اعتماد اصحاب امامیه قرار داشته است: «کتب یونس التی هی بالروایات کلاً صحیحة یعتمد علیها».^۲

۸. کتاب الکافی، حدیث چهارم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَنْصُورِ الصَّيْقَلِ وَالْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع.

با توجه به شباهت این سند با سند پیشین، می‌توان اولین منبع مکتوب این حدیث را کتاب عبدالله بن مسکان و مصدر کلینی را کتاب محمد بن سنان پنداشت. توضیح بیشتر آنکه:

۱. «محمد بن یحیی» و «احمد بن محمد بن عیسی» یکی از مسیرهای انتقال تراث حدیثی کوفه، از جمله کتب محمد بن سنان، به قم هستند. طریق کتاب محمد بن سنان در فهرست شیخ طوسی، گویای این نکته است.^۴

۱. استفاده از کتابی متأخر و نزدیک تر به جامع‌نگار، به ویژه زمانی که از طرق متعددی بهره‌مند باشد، بروز آسیب‌هایی چون تصحیفات نسخه‌ای را کاهش می‌دهد؛ به ویژه اینکه راوی و مؤلف آن، هر چه به زمان جامع‌نگار نزدیکتر باشد، شناخت بهتری را می‌توان از شخصیت حدیثی اش به دست آورد.

۲. فهرست الطوسی، ص ۵۱۲

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۶، ح ۶.

۴. «أخبرنا به جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه و محمد بن الحسن بن سعد بن عبد الله و

۲. نقل «عبدالله بن مسکان» از دو تن از راویان امام صادق علیه السلام، یعنی: معلی بن خنیس و منصور بن ولید صیقل، گویای دریافت شفاهی ابن مسکان از این دو راوی است.^۱ نکته افزون بر ترجمه معلی که در صفحات پیش گذشت، آن که نام منصور صیقل را در میان مؤلفان شیعی نمی‌یابیم.^۲ از این رو بازهم اولین منبع مکتوب حدیث را می‌توان کتاب ابن مسکان دانست.

۳. برپایه اطلاعات منابع فهرستی، هر چند «محمد بن سنان» در مسیر انتقال کتاب «عبدالله بن مسکان» قرار گرفته^۳، ولی با توجه به نکته پایانی تحلیل حدیث پیشین، می‌توان مصدر مکتوب کلینی برای اخذ این حدیث را نیز کتاب‌های سی‌گانه^۴ «محمد بن سنان» پنداشت. به‌ویژه آن‌که کتاب‌های محمد بن سنان، افزون بر فراوانی جلد، از شهرت سه‌گانه نیز برخوردار است و این نکته، گمانه بهره‌گیری کلینی از آن را افزایش می‌دهد.

توضیح بیشتر آن‌که؛ شهرت یک کتاب در سه بازه زمانی، با شیوه‌های اختصاصی هر یک، به دست می‌آید:

۱. شهرت در زمان تألیف کتاب. این نوع شهرت با روایت فراوان کتاب در زمان مؤلف، توسط راویان فراوان، به دست می‌آید. برای نمونه، نجاشی در شرح حال برخی مؤلفان چنین می‌نگارد: «له کتاب یرویه عنه جماعة».^۵ «قد رواه جماعات من الناس».^۶

الحمیری و محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین وأحمد بن محمد عن محمد بن سنان. فهرست الطوسی: ص ۴۰۷ ش ۶۲۰.

۱. اندک بودن نقل روایت ابن مسکان از منصور صیقل (۳ روایت) نیز مؤید نقل شفاهی است.
۲. برقی وی را در شمار اصحاب الصادق علیه السلام (ص ۳۹) و طوسی در کتاب الرجال، نام وی را در زمره اصحاب الباقرو الصادق علیه السلام (ص ۱۴۷ و ۳۰۶) یاد کرده است.
۳. رجال النجاشی: ص ۲۱۴.
۴. شیخ طوسی در فهرست: ص ۴۰۶، شمار کتاب‌های وی را اینگونه توصیف می‌کند: «و کتبه مثل کتب الحسین بن سعید علی عددها وله کتاب النوادر»
۵. رجال النجاشی ص ۱۳۴، ۱۳۰، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۰، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۳، ۹۸، ۷۲، ۷۱، ۳۰، ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۲۰ و...
۶. رجال النجاشی، ص ۱۱۸.

۲. شهرت در زمان گزارش کتاب توسط گزارش‌گرانی چون نجاشی و طوسی. این نوع شهرت با تعابیری چون: «اخبرنا عنه جماعة من اصحابنا».^۱ «له کتاب یرویه عنه عدة من اصحابنا».^۲ حاکی از کثرت نقل و شهرت کتاب در زمان گزارش‌گراست. ۳. شهرت در طول زمان، از نگارش تا گزارش. این نوع شهرت با تعدد طرق به یک کتاب در طول زمان و در طی مسیرهای متفاوت به دست می‌آید. تعدد طرق به یک کتاب، حاکی از این نوع شهرت است.

اشتهار کتاب‌های محمد بن سنان از سویی و بهره‌مندی کلینی از این منابع مشهور، شاید بتواند اتهامات وارد بر محمد بن سنان را بی‌پایه جلوه دهد؛ چه اینکه رجالیانی چون نجاشی نیز تضعیفات وی را از زبان دیگر رجالیان یا راویان، گزارش کرده و با عبارتی چون: «وهذا یدل علی اضطراب کان وزال» از آن گذر کرده‌اند.

۹. کتب شیخ صدوق، حدیث اول:

عَنْ مَنْصُورِ الصَّقِيلِ وَالْمُعَلِّيِّ بْنِ حُنَيْسٍ قَالَا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^۳

شیخ صدوق در سه کتاب از تألیفاتش؛ التوحید، علل الشرایع و مصادقة الإخوان، به یادکرد حدیث تردد، به دو شکل اقدام کرده است:

الف) صدوق، در کتاب التوحید و علل الشرایع، با بهره‌گیری از راویان اهل سنت و روایت‌گری انس بن مالک از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حدیث تردد را در قالب سند «مسند» و با افزودن فرازهای بیشتری نقل کرده است. ب) در مقابل، در کتاب مصادقة الاخوان، حدیث کوتاه‌تر تردد، با بهره‌گیری از مسیر شیعی ولی به گونه «مرسل» و بسنده شده به راویان اصلی حدیث، در دستور کار وی قرار گرفته است. با توجه به رسالت این نوشتار در ردیابی فهرستی روایات، که بر پایه سنجش مصادر مکتوب شیعی پیش می‌رود، بررسی حدیث تردد در دو کتاب اول، از دستور کار خارج می‌شود.

۱. فهرست الطوسی ص ۳۲۶. ۸۷. رجال الطوسی ص ۴۹۹. ۴۱۳. ۳۸۷.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۰. ۷۲.

۳. مصادقة الإخوان، ص ۷۴، ح ۱.

با توجه به انطباق روایان اصلی حدیث تردد در کتاب مصادقه الاخوان و نیز متن آن، با حدیث چهارم کتاب الکافی، که در صفحات پیش گذشت، می‌توان مصدر مکتوب اصلی صدوق در این حدیث را «کتاب الکافی» دانست. براین پایه، با استفاده از مسیر انتقال کتاب الکافی کلینی تا شیخ صدوق^۱، می‌توان سند این روایت را اینگونه بازسازی کرد:

محمد بن محمد بن عصام الكليني و علي بن أحمد بن موسى و محمد بن أحمد السناني، عن محمد بن يعقوب الكليني، محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن محمد بن علي بن سنان بن ابن مسكان عن منصور الصيقل والمعلی بن خنيس.

۱۰. کتاب الامالی شیخ طوسی:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ الصُّوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ الْإِسْكَافِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ عَمْرٍو، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ صَوْءٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ).^۲

در سند کتاب الامالی، با سه نفر از مؤلفان کتب حدیثی شیعه روبرویم: شیخ مفید (محمد بن محمد)، محمد (ابوعلی) بن همام و جعفر فزاری. برای تعیین مصدر مکتوب این حدیث، به تحلیل وضعیت این هر سه می‌پردازیم: از آنجا که شیخ مفید، مسیر انتقال

۱. شیخ صدوق در مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه طریق خود به کلینی را چنین می‌نگارد: وما كان فيه عن محمد بن يعقوب الكليني - رحمة الله عليه - فقد روئته عن محمد بن محمد بن عصام الكليني؛ و علي بن أحمد بن موسى؛ و محمد بن أحمد السناني - رضي الله عنهم - عن محمد بن يعقوب الكليني؛ وكذلك جميع كتاب الكافي فقد روئته عنهم عنه عن رجاله. (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۳۴).
 ۲. الامالی شیخ طوسی، المجلس الرابع عشر، ص ۴۱۴، ح ۸۰. نقل امالی طوسی با دیگر نقل‌های حدیث تردد از دو جهت متفاوت است: اول آنکه صدر روایت با جمله «ما من شیء اتردد فيه مثل ترددی» آغاز شده؛ حال آنکه دیگر نقل‌ها همگی با جمل «ما ترددت فی شیء کترددی» آغاز شده است. دوم آنکه در ذیل روایت، به «فرستادن دو دریاخانه بهشتی» اشاره می‌کند که سبب تسهیل در امر قبض روح می‌شود. این فراز مختص به این روایت است و دیگر روایات تردد فاقد این فقره می‌باشند: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَتَرَدَّدُ فِيهِ مِثْلَ تَرَدَّدِي عِنْدَ قَبْضِ رُوحِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ، فَإِذَا حَضَرَ أَجَلَهُ الَّذِي لَا تَأْخِيرُ فِيهِ بَعَثْنَا إِلَيْهِ بَرِيحَانَتَيْنِ مِنَ الْجَنَّةِ تُسَمَّى إِحْدَاهُمَا الْمُسَخِيَّةَ وَالْأُخْرَى الْمُنْسِيَّةَ، فَأَمَّا الْمُسَخِيَّةُ فَتُسَخِيهِ عَنْ مَالِهِ، وَأَمَّا الْمُنْسِيَّةُ فَتُنْسِيهِ أَمْرَ الدُّنْيَا».

کتب حدیثی فراوانی به شاگردانش از جمله شیخ طوسی است، می‌توان وی را در نقش طریقی‌اش دید؛ به‌ویژه آن‌که بر فرض بهره‌گیری شیخ طوسی از کتب شیخ مفید برای دریافت این حدیث، باید این حدیث را در آثار شیخ مفید می‌یافتیم؛ حال آن‌که چنین نیست. دومین گزینه احتمالی، محمد بن همام، هر چند که وی در شمار مؤلفان ثقه شیعی به حساب آمده و نامش را در منابع فهرستی می‌یابیم، ولی نمی‌توان این حدیث را برگرفته از آثار مکتوب وی دانست؛ چه اینکه بر پایه گزارش نجاشی، ابن همام تنها نگارنده یک کتاب با نام «کتاب الأنوار فی تاریخ الأئمة (ع)»^۱ بوده است. جالب آن‌که هر چند شیخ طوسی ابن همام را در الفهرست خویش نامبردار شده، ولی هیچ کتابی را به او نسبت نداده است.^۲ با پذیرش نکات پیش گفته، تنها گمانه قابل پذیرش را به عنوان مصدر مکتوب حدیث، که مورد استفاده شیخ طوسی قرار گرفته، باید کتاب‌های حدیثی جعفر بن محمد بن مالک فزاری^۳ دانست.^۴ گفتنی است که در منابع فهرستی، ابوعلی بن همام، تنها راوی کتاب‌های جعفر فزاری شناسانده شده است.

ریزنکته‌ای درباره اعتبار کتاب‌های جعفر فزاری: جعفر فزاری از راویانی است که درباره وثاقت یا ضعف وی، اختلاف شدیدی در میان رجالیان متقدم برپاست. ابن غضائری و در پی وی، نجاشی، وی را در دشوارترین مواضع ضعف قرار داده و توصیفات تضعیفی منحصر به فردی درباره‌اش گفته‌اند.^۵ شیخ طوسی در دیگر سوی ماجرا، وی را ثقه معرفی

۱. رجال النجاشی: ص ۳۸۰ ش ۱۰۳۹.

۲. «محمد بن همام الإسکافی یکنی أبا علی جلیل القدر ثقة. له روایات کثیرة. أخبرنا بها عدة من أصحابنا عن أبي المفضل عنه.» فهرست الطوسی: ص ۴۰۲ ش ۶۱۳.

۳. نجاشی سه کتاب به وی نسبت داده است: غرر الأخبار، کتاب أخبار الأئمة و موالیدهم (ع)، کتاب الفتن و الملاحم. رجال النجاشی: ص ۱۲۲ ش ۳۱۳.

۴. بر فرض پذیرش این گمانه قوی، می‌توان مسیر: «المفید، عن ابی حفص الصوفی، عن ابی علی بن همام» را نیز طریق دیگری به کتاب‌های جعفر فزاری دانست.

۵. رجال ابن غضائری ص ۴۸: «کذاب متروک الحدیث جملة، و فی مذهبه ارتفاع، و یروی عن الضعفاء و المجاهیل و کل عیوب الضعفاء مجتمعة فیہ.» رجال النجاشی: ص ۱۲۲ ش ۳۱۳: «کان ضعيفا فی الحدیث. قال أحمد بن الحسین: کان یضع الحدیث وضعاً و یروی عن المجاهیل و سمعت من قال: کان ایضاً فاسد المذهب و الروایة. و لا أدري کیف روی عنه شیخنا النبیل الثقة أبو علی بن همام و شیخنا الجلیل الثقة أبو غالب الزراری رحمهما الله»

کرده و مسیری پررفت و آمد را برای کتاب‌های وی ترسیم کرده است.^۱ طوسی، نقل روایات عجیب در ولادت حضرت صاحب الزمان علیه السلام توسط وی را عامل تضعیف وی توسط برخی محدثان قم دانسته است.^۲ با بهره‌گیری از دیگر قرائن - چون: نقل دو تن از محدثان ثقه و جلیل‌القدر شیعه: ابوعلی بن همام و ابوغالب زراری^۳، که مورد تصریح نجاشی نیز واقع شده - می‌توان جعفر فزاری و آثار حدیثی‌اش را مورد اعتماد عمومی محدثان شیعه دانست.^۴

۱۱. کتاب فلاح السائل، ابن طاووس حلی:

أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنُ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْعِجْلِيُّ الْكِسَائِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.^۵

در میان حلقه‌های سند بالا، با سه مؤلف احتمالی مواجهیم: جمیل بن دراج، علی بن حسن بن فضال، هارون بن موسی تلعکبری. برای تعیین یکی از این سه، به عنوان مصدر مکتوب ابن طاووس، نکات زیر را مورد توجه قرار می‌دهیم:

الف) جمیل بن دراج، از اصحاب اجماع و نگارنده کتابی مشهور است که جمع فراوانی از راویان، به نقل آن همت گمارده‌اند: «له کتاب رواه عنه جماعات من الناس و طرقه كثيرة».^۶ با نگاه به اسناد روایات جمیل بن دراج، پرتکرارترین مسیر روایات این کتاب

۱. الفهرست طوسی: ص ۱۱۱ ش ۱۴۷: «جعفر بن محمد بن مالک. له کتاب النوادر. أخبرنا به جماعة من أصحابنا عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري عن أبي علي بن همام عن جعفر بن محمد بن مالك». الرجال طوسی: ص ۴۱۸: «جعفر بن محمد بن مالك كوفي ثقة»

۲. «ثقة و يضعفه قوم، روی فی مولد القائم أعاجيب» همان.

۳. یادکرد ابوغالب زراری از جعفر فزاری در کتاب «رسالة ابوغالب» ص ۱۵۰ خواندنی است؛ آنجا که می‌نویسد: «جعفر بن محمد بن مالك الفزاري البزاز وكان كالذي رباني». ابوغالب، وی را مربی خویش در ابتدای مسیر حدیث‌اندوزی معرفی کرده است.

۴. اثبات وثاقت جعفر فزاری، پژوهشی مستقل را می‌طلبید که در قالب پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازشناسی شخصیت حدیثی رجالی جعفر بن محمد بن مالك فزاري» در مقطع سطح ۳ حوزه علمیه قم، با راهنمایی یکی از نگارندگان این مقاله، در حال انجام است.

۵. فلاح السائل ص ۱۶۸.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۲۶.

را «علی بن الحسن بن علی بن فضال، عن جعفر بن محمد بن حکیم» می‌یابیم. هرچند در منابع فهرستی، نام جعفر بن محمد را در مسیر انتقال کتاب‌های جمیل نمی‌یابیم، ولی برپایه اسناد پرتکرار^۱، که نشان از مسیر مصادر مکتوب است، می‌توان جعفر را راوی کتاب جمیل دانست. درباره علی بن حسن بن فضال، مطلب به گونه‌ای دیگر است؛ چه اینکه در منابع فهرستی، نام وی را در مسیر کتب جمیل به وضوح مشاهده می‌کنیم.^۲ براین پایه، مصدر مکتوب اولیه این حدیث را باید کتاب مشهور جمیل بن دراج دانست.

ب) علی بن حسن بن فضال: حضور علی بن فضال در طریق کتاب جمیل بن دراج از سویی و برپا کردن بزرگ‌ترین کتابخانه حدیثی عصر خویش^۳، که حکایت‌گر نقش طریقی برجسته اوست از دیگر سویی، علی بن فضال را در این سند، در نقش طریقی اش اثبات می‌کند.

ج) هارون بن موسی، هرچند که کتاب «الجوامع فی علوم الدین» به وی نسبت داده شده^۴، ولی با توجه به نقش بسیار برجسته وی در انتقال بیشینه تراث مکتوب امامیه^۵، معمولاً حضور وی در اسناد حدیث، حاکی از نقش طریقی اوست.

در کنار گمانه بهره‌گیری ابن طاووس از کتاب مشهور جمیل بن دراج، توجه به نکات زیر، گمانه دیگری را به ذهن می‌اندازد: اخذ حدیث از کتاب‌های علی بن حسن بن فضال: ۱. می‌دانیم که شیخ طوسی در تهذیب الاحکام، اسناد مختصر شده خویش را معمولاً با صاحبان کتب حدیثی مصدر خویش، آغاز می‌کند. در اسناد این کتاب، با حضور علی

۱. جعفر بن محمد، که نامش تنها در رجال طوسی در شمار اصحاب الکاظم علیه السلام آمده، مجموعاً در ۱۵ سند در کتب اربعه از جمیل نقل حدیث می‌کند. همچنین بیشترین نقل از جعفر بن محمد بن حکیم در کتب اربعه توسط علی بن حسن فضال با بیست و یک سند است.

۲. «له کتاب... قرأته علی الحسین بن عبید الله حدثکم أحمد بن محمد الزراری عن جده عن علی بن الحسن بن فضال عن ایوب بن نوح عن ابن ابي عمیر عن جمیل». رجال النجاشی: ص ۱۲۷ ش ۳۲۸.

۳. عیاشی، کتابخانه بزرگ ابن فضال را چنین توصیف کرده است: «علی بن الحسن بن علی بن فضال: فما رأیت فیمن لقیته بالعراق و ناحیه خراسان أفضله ولا أفضل من علی بن الحسن بالکوفة، ولم یکن کتاب عن الأئمة علیهم السلام من کل صنف إلا وقد کان عنده وکان أحفظ الناس». رجال الکشی، ص ۵۳۰.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۳۹، ش ۱۱۸۴.

۵. شیخ طوسی اینگونه این ویژگی وی را معرفی کرده است: «ثقة روی جمیع الأصول والمصنفات». رجال الطوسی، ص ۴۴۹، ۶۳۸۶.

بن حسن بن فضال در ابتدای حدود ۵۰۰ سند روبرویم. این حضور، می‌تواند نقش آثار علی بن فضال را در جایگاه مصادر مکتوب تهذیب، برنمایاند.^۲ به ویژه آن‌که در حدود ۱۵ سند این کتاب، شاهد انطباق بر سند حدیث تردد در کتاب فلاح السائل هستیم: «عَلِيُّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ».^۳

۲. در یکی از پژوهش‌های معاصر مستشرقان درباره «کتابخانه سید ابن طاووس»، برخی آثار علی بن حسن بن فضال، جزو منابع مکتوب مورد استفاده ابن طاووس برشمرده شده است.^۴ بر پایه گمانه دوم، مصدر مکتوب اولیه حدیث، کتاب مشهور جمیل بن دراج و مصدر مکتوب مورد استفاده سید ابن طاووس، کتاب علی بن حسن بن فضال، دانسته می‌شود.

جمع‌بندی اعتبارسنجی و ردیابی مجموعه احادیث تردد

کندوکاو در منابع نخستین و اسانید حدیث تردد بر پایه روش فهرستی، دست‌آوردها و ثمرات چشم‌گیر و تازه‌ای را فراروی پژوهش‌گران عرصه حدیث می‌نهد که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بر پایه روایات موجود، حدیث تردد توسط سه تن از امامان شیعه؛ امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام، به جامعه علمی قرن دوم عرضه شده است.
۲. افزون بر کثرت اسناد حدیث تردد، حضور برخی از اصحاب اجماع و محدثان ثقه، اعتمادزایی بیشتری را فراهم کرده است.
۳. اسناد حدیث تردد گویای این واقعیت است که عصر صادقین علیهم‌السلام، زمان کتابت اولیه حدیث تردد است و پس از آن، به منابع دیگر راه یافته است.
۴. شناسایی راویان حدیث تردد، بیانگر راه یافتن آن از کتاب‌های محدثان کوفه به حوزه‌های حدیثی قم، بغداد و سپس حله است.

۱. نرم‌افزار درایه‌النور، محیط اسناد، سربرگ جستجو، با استفاده از عملگر # (ابتدای عبارت)

۲. برخی حدیث‌پژوهان معاصر، وجود راوی در ابتدای اسناد تهذیب را، به دلیل امکان «اخذ با واسطه»، نشان از مصدر مکتوب شیخ طوسی نپنداشته‌اند. (جهت اطلاع از این نظریه، ن. ک: سایت اینترنتی مدرسه فقهی امام محمد باقر علیه‌السلام، درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری ۲۸ مهر ۱۳۹۵)

۳. از جمله: تهذیب الاحکام: ج ۴ صص ۷ و ۶۰، ج ۹، صص ۱۵۷ و ۳۲.

۴. کتابخانه سید ابن طاووس، ص ۵۲۶. مؤلف، کتاب الصیام ابن فضال را از مصادر مکتوب ابن طاووس دانسته است.

۵. تحلیل و بازشناخت اسناد و طرق حدیث تردد را می‌توان نمونه بارز از واقعیت‌های تاریخ حدیث شیعه و تلاش محدثان در فرآیند انتقال تراث امامیه دانست.
۶. جدای از کتاب‌های حدیثی موجود در عصر حاضر، برپایه داده‌های برآمده از تحلیل اسناد، می‌توان به مصادر مفقود اولیه این حدیث پی برد. نگارندگان این کتاب‌های اولیه، همگی از راویان جلیل‌القدر و ثقه و برآمده از حوزه حدیثی کوفه بوده‌اند:^۱

ردیف	نام مؤلف کتاب مصدر	توصیف در منابع رجالی	حوزه حدیثی	تعداد حضور در اسناد کتب اربعه ^۱
۱	ابوحمره ثمالی	ثقة (نجاشی)	کوفه	۴۲۷
۲	اسماعیل بن مهران سکونی	ثقة معتمد علیه (نجاشی)	کوفه	۱۳۷
۳	جعفر بن محمد بن مالک فزاری	ثقة (رجال الشیخ)	کوفه - بغداد	۵۵
۴	جمیل بن دراج	وجه الطائفة ثقة (نجاشی)	کوفه	۱۰۸۰
۵	حسن بن علی بن فضال	جلیل‌القدر عظیم‌المنزلة (الفهرست)	کوفه	۱۶۴۷
۶	حنان بن سدید	ثقة (الفهرست)	کوفه	۲۱۴
۷	صفوان جمّال	ثقة (نجاشی)	کوفه	۱۰۹
۸	عبدالله بن مسکان	ثقة عین (نجاشی)	کوفه	۱۴۲۴
۹	علی بن حسن بن فضال	فقیه أصحابنا بالكوفة و وجههم و ثقتهم (نجاشی)	کوفه	۱۲۴۲
۱۰	علی بن عقبه اسدی	ثقة ثقة (نجاشی)	کوفه	۱۵۷
۱۱	محمد بن سنان	ضعیف (نجاشی) و التحقیق انه ثقة ^۲	کوفه	۹۷۵
۱۲	محمد بن علی حلبی	وجه أصحابنا و فقیههم. و الثقة (نجاشی)	کوفه	۴۹۰
۱۳	یونس بن عبدالرحمن	وجهها فی أصحابنا متقدما عظیم‌المنزلة (نجاشی)	بغداد - کوفه	۱۳۸۲

۱. آمارها برگرفته از نرم‌افزار درایه‌النور، محیط اسناد، سربرگ راوی، سربرگ «عنوان معیار» است.
۲. هرچند در منابع رجالی، تضعیفاتی را برای وی برشمرده‌اند، ولی در عصر حاضر و در نزد صاحب‌نظران رجال، همچون آیت الله شبیری زنجانی، ثقه دانسته می‌شود. در نرم‌افزار درایه‌النور، وی اینگونه توصیف شده است: «امامی، مختلف‌فیه، و التحقیق: انه ثقة» محیط اسناد، سربرگ راوی / توصیف.

با تحلیل و بررسی منابع و اسانید حدیث تردد دریافتیم که روش سلف صالح ما، اعتماد به کتاب‌های معتبر و مرجع بوده؛ دقیقاً همان‌گونه که شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه، برای مخاطب خویش، نسبت به محتوای مستحکم کتاب اعتمادسازی کرده است:

أَحْكُمُ بِصَحَّتِهِ وَأَعْتَقِدُ فِيهِ أَنَّهُ حُجَّةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ رَبِّي تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَتَعَالَتْ قُدْرَتُهُ وَجَمِيعُ مَا فِيهِ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ كُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهَا الْمُعْوَلُ وَإِلَيْهَا الْمَرْجِعُ.^۱

درنگ پایانی

بر پایه نکات پیش‌گفته می‌توان حدیث تردد را جزو معتبرترین احادیث شیعه دانست که کثرت طرق آن در کتب معتبر، آشکارترین دلیل براعتبار آن است. بی‌دلیل نیست که علامه محمدتقی مجلسی درباره این حدیث ادعای تواتر کرده و می‌گوید:

وهذا الخبر رواه العامة والخاصة بطرق كثيرة صحيحة، ويمكن القول بتواتره، وحقائقه وأساره غير متناه لا يمكن بيانها في كتب كثيرة.^۲

شگفت‌آور است آنکه برخی عالمان بزرگ چون علامه حلی در صحت آن تردید کرده^۳ و شگفت‌آورتر آن‌که برخی دیگر از فقهای معاصر شیعه، این روایت مشهور و معتبر را انکار کرده و می‌گویند: صدور آن برای ما ثابت نشده است.^۴ شاید بتوان این برخورد عجیب را نتیجه رها کردن عملکرد اصحاب ائمه عليهم السلام و محدثان جلیل‌القدر شیعه و نیز پیمودن راهی دانست که منطبق برواقعیات حدیث شیعه و نیز مدیریت بی‌نظیر معصومان عليهم السلام بر وادی اعتبارسنجی احادیث است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴.

۲. روضة المتقين في شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۳۱۱. علامه محمدباقر مجلسی نیز به نقل از شیخ بهائی می‌نویسد: «قال الشيخ البهائي بَرَدَ اللهُ مَضْجَعَهُ: هذا الحديث صحيح السند وهو من الأحاديث المشهورة بين الخاصة والعامة، وقد روه في صحاحهم بأدنى تغيير.» (مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۰، ص ۳۸۴)

۳. «لوثبت هذا الحديث لوجب حمله على المجاز». (أجوبة المسائل المهنائية: العلامة الحلي، ج ۱، ص ۳).

۴. استفتاءات، آية الله سيد ابوالقاسم خوئي، ص ۴۲۱.

فهرست منابع:

الف) کتاب‌ها:

- ابراهیم بن هاشم بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت، سیدعلیرضا حسینی شیرازی، رودآبی، قم، اول ۱۴۰۰ش.
- أجوبة المسائل المَهتاتية، علامه حسن بن یوسف بن مطهرحلی، مطبعة الخيام، قم، ۱۴۰۱ق.
- استفتاءات، سید ابوالقاسم خوئی، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، ایران، قم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- اعتبارسنجی احادیث شیعه، زیرساخت‌ها، فرایندها، پیامدها، علیرضا حسینی شیرازی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، دوم، ۱۳۹۸ش.
- الأمامي (للطوسي)، محمد بن الحسن الطوسي، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.
- بررسی روایت به روش فهرستی، احمد میرزایی، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی، اول، ۱۳۹۸ش.
- تهذیب الأحكام، (تحقیق خراسان)، ۱۰ جلد، دارالکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: اول.
- التوحيد (للصدوق)، محمد بن علی الصدوق، ۱ جلد، جامعه مدرسین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ق.
- خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، حسن بن یوسف الحلی، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه نشرالفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- الدعوات / سلوة الحزین، قطب الدین راوندی، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۷ق.
- رجال البرقی، احمد بن عبدالله بن احمد البرقی، تحقیق حیدر البغدادی، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۳۳ق.
- رجال الطوسی، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه النشرالاسلامی، سوم، ۱۳۷۳ش.
- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی (تلخیص: محمد بن الحسن الطوسی)، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشرالاسلامی، ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، احمد بن الحسین بن عبیدالله الغضائری، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
- روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمدتقی مجلسی، قم، مؤسسه کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
- العدة فی اصول الفقه، شیخ محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق محمد رضا انصاری، قم انتشارات ستاره، ۱۴۱۷ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، قم: داوری، ۱۳۸۵ق.
- فلاح السائل ونجاح المسائل، علی بن موسی ابن طاووس، قم: بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۶ق.

- الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب الكلینی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتابخانه ابن طاووس، اتان کلبرگ، ترجمه سیدعلی آقایی و رسول جعفریان، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۶ق.
- المحاسن، البرقی احمد بن محمد، دارالکتب الاسلامیه، قم، دوم، ۱۳۷۱ق
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مجلسی محمدباقر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، دوم، ۱۴۰۴
- مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، شیخ بهایی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۴ق.
- مشکات الانوار فی درر الاخبار، علی بن حسن طبرسی، نجف، المكتبة الحیدریه، دوم، ۱۳۸۵ق.
- مصادقة الإخوان، شیخ صدوق، مكتبة الإمام صاحب الزمان العامة - الکاظمیه، چاپ: اول، ۱۴۰۲ق.
- مصباح المتجهد و سلاح المتعبد، شیخ طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، اول، ۱۴۱۱ق.
- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ق.
- من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه الصدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح والحسان، شیخ حسن بن زین الدین، تصحیح علی اکبر غفاری، قم
- جامعه المدرسین، اول ۱۳۶۲ش.
- المؤمن، حسین بن سعید اهوازی، قم، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، اول ۱۴۰۴ق.

ب) مقالات و پایان نامه‌ها:

۱. پایان نامه «بازشناسی شخصیت حدیثی رجالی جعفر بن محمد بن مالک قزازی»، محسن غلامی، سطح ۳ حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی علوم حدیث
۲. پایان نامه «جایگاه شناسی و معناشناسی حدیث تردد با توجه به پاسخ به شبهات»، احسان پوردوانی، سطح ۳ حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی علوم حدیث
۳. مقاله «تحلیل پدیده ترجمه ضمنی در رجال نجاشی؛ گونه‌ها و دستاوردها»، سیداحمد موسوی پور و جمال الدین حیدری فطرت، نشریه پژوهش‌های رجالی، شماره ۴، ۱۴۰۱ش.
۴. مقاله «جایگاه حدیث قرب نوافل در منابع فریقین و بررسی تطبیقی رویکرد عرفا و محدثان نسبت به آن»، مجید معارف و مصطفی آذرخش، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۷، ۱۳۸۹ش.

ج) نرم افزارها و سایت‌ها:

۱. نرم افزار جامع الاحادیث، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ویرایش ۳، ۱۳۹۰ش.
۲. نرم افزار درایه النور، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ویرایش ۲، ۱۳۸۵ش.
۳. نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ویرایش ۲، ۱۳۸۵ش.
۴. سایت اینترنتی «مدرسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام»، به آدرس: mfeb.ir